

انتخابات دومای روسیه و استعفای یلتسین

انتخابات دومای روسیه که در ۲۵ آذرماه سال گذشته (۱۶ دسامبر ۱۹۹۹) برگزار شد^(۱)، محافل سیاسی روسیه و جهان را شگفت‌زده کرد. برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی نیروهای میانه‌رو و طرفدار دولت توانستند اکثر کرسی‌های نمایندگی را از آن خود نمایند. به اذعان اکثر تحلیل‌گران مسائل روسیه، ترکیب جدید نمایندگان دوما، تأثیرات گسترده‌ای بر روند اصلاحات و نتیجه انتخابات آینده ریاست جمهوری این کشور خواهد گذاشت. برای درک بهتر تحول یاد شده، در این نوشتار سعی می‌شود ضمن مروری بر نتایج انتخابات اخیر، علل گرایش مردم به نیروهای میانه‌رو و پیامد آن بر روند اصلاحات بررسی شده، در پایان دورنمایی از چشم‌انداز انتخابات آینده ریاست‌جمهوری اولیه ارائه گردد.

مروری بر انتخابات و آرای احزاب عمده سیاسی

در انتخابات دوما حدود ۲۸ گروه، حزب و اتحاد شرکت داشتند که شامل نیروهای افراطی طرفدار کمونیسم استالینی تا تندروترین نیروهای لیبرال طرفدار اصلاحات می‌شدند. اما در حقیقت رقابت اصلی بین سه حزب «وحدت»^۱ به رهبری «سرگئی شویگو»^۲ وزیر امور اضطراری، حزب «کمونیست» به رهبری «گنادی زیوگانف»^۳ و حزب «میهن - سراسر روسیه»^۴ به رهبری «یوگنی پریماکوف»^۵ نخست‌وزیر سابق بود که انتخابات دوما را زمینه پیروزی در انتخابات آینده ریاست جمهوری می‌دیدند.

حزب کمونیست - این حزب توانست با ۲۴/۵۵ درصد آراء در صدر قرار گیرد. حزب مذکور به دلیل گرایش به سیاست‌های میانه‌رو بعضی از حامیان سنتی خود را از دست داد. اگرچه در مقایسه با انتخابات قبلی دوما که این حزب ۲۱/۴۱ درصد آرا را کسب نموده بود، آرای آن از لحاظ کمی افزایش یافته اما در انتخابات اخیر بسیاری از حامیان خود همچون حزب کشاورزان را از دست داد. در انتخابات قبلی حزب ویکتور چرنومردین

1. Unity

2. Sergei Shoigu

3. Genadi Zyuganov

4. Fatherlan - All Russia

5. Yogni Primakov

نخست‌وزیر وقت که حامی یلتسین بود با ۹/۸۹ درصد آرا در مرتبه دوم قرار گرفته بود.^(۲) حزب وحدت: که یک ائتلاف منطقه‌ای است و چند ماه قبل از انتخابات جهت حمایت از پوتین تشکیل شده بود، توانست با کسب ۲۳/۸۸ درصد آراء بعد از حزب کمونیست در ردیف دوم قرار گیرد. قبل از انتخابات اکثر محافل سیاسی پیش‌بینی می‌کردند که این حزب حدود ۶ تا ۸ درصد آراء را کسب خواهد کرد ولی این حزب توانست با حمایت کرملین، اولیگارشی روسیه و سرمایه‌دارانی چون «بوریس برزوفسکی»^۱ و بهره‌برداری وسیع از رسانه‌های گروهی تحت کنترل دولت و بخش خصوصی آراء قابل توجهی را کسب نماید.^(۳) این حزب از سیاست اصلاحات بازار آزاد، تقویت و تضمین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، مبارزه با فساد و جنایت و اعتلای قدرت روسیه حمایت می‌کند.^(۴)

حزب میهن - سراسر روسیه: این حزب که متشکل از لیبرال‌های متمایل به چپ و مخالف دولت پوتین است با کسب ۱۱/۹۸ درصد آرا در ردیف سوم قرار گرفت.^(۵) شعارهای مورد حمایت این حزب در انتخابات عبارت بودند از: مبارزه با فساد، حمایت از اصلاحات بازار آزاد، تقویت ملی‌گرایی، سخت‌گیری بیشتر در مورد سیاست خصوصی‌سازی، حمایت از دولت قوی، کنترل بیشتر بر مناطق خودمختار، خودکفایی اقتصادی و تکیه کمتر بر کمک‌های خارجی و همگرایی با جمهوری‌های بلاروس و اوکراین^(۶)، بعد از سه حزب یاد شده، حزب «اتحاد راست‌گرایان»^۲ به رهبری «سرگئی کرینکو»^۳ با کسب ۸/۶۳ درصد آراء در ردیف چهارم قرار گرفت. حزب «لیبرال - دمکرات» به رهبری «ژیرینفسکی»^۴ با کسب ۶/۱۸ درصد آراء مقام پنجم را به خود اختصاص داد. حزب «یابلوکو»^۵ به رهبری «گریگوری یاولینسکی»^۶ با کسب ۵/۹۴ درصد آراء در ردیف ششم قرار گرفت. احزاب دیگر چون کمتر از ۵ درصد آراء را از آن خود کرده بودند، طبق قانون اساسی روسیه در مجلس نمایندگان حضور نخواهند داشت.^(۷)

طبق اظهارات مقامات مسؤول انتخابات نیروهای چپ‌گرای ضد کرملین تنها ۱۷۰ کرسی از ۴۵۰ کرسی دوما را کسب کرده و احزاب مرکزگرا و طرفدار دولت به همراه نامزدهای مستقل بیشترین کرسی‌ها را در اختیار دارند.^(۸)

انتخابات ۱۶ دسامبر پرهزینه‌ترین انتخابات در طول تاریخ روسیه بود. علاوه بر این،

1. Boris Bere Zovskii

3. Sergei Kiriyenko

5. Yabloko

2. Union of Right - Wing Forces.

4. Zhirinovskiy Bloc

6. Yavlenskii

شرکت تبهکاران مشهوری همچون «سرگی میکائیلیف»^۱ نشانگر حضور و نفوذ مؤثر شبکه‌های مافیایی در صحنه سیاسی این کشور است. طبق آمار نیروی انتظامی، حدود ۵ تا ۳۰ درصد از ۶ هزار کاندیدای انتخابات یا سابقه تبهکاری داشته یا دارای ارتباط با باندهای مافیایی می‌باشند.^(۹) به نظر می‌رسد بعضی از افراد متمول همچون «بوریس بوزوفسکی» و کسانی که در دوره پلتسین به ثروت‌های کلانی دست یافته‌اند با ارائه کمک به بعضی از نامزدها، به دنبال این هدف هستند که از پیگیری قانونی نمایندگان دوما و رئیس‌جمهور آینده مصون باشند.

علل گرایش مردم روسیه به نیروهای میانه‌رو

برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، اکثریت رأی‌دهندگان، نیروهای میانه‌رو و مرکزگرا را انتخاب کردند و این برخلاف دو انتخابات گذشته بود که نیروهای کمونیست و دست‌راستی ملی‌گرا در آن پیروز شدند. این امر نشانگر این است که مردم از اکثر افراد تندرو با هرگرایشی خسته شده و نیروهای اصلاح‌گر لیبرال میانه‌رو را بر افراد برجسته عصر شوروی ترجیح می‌دهند. در پاسخ به گرایش اخیر مردم، حزب کمونیست مجبور شد از بعضی نامزدهای طرفدار اقتصاد بازار حمایت نماید.^(۱۰) گرایش به احزاب مرکزگرا و میانه‌رو تنها به دلیل محبوبیت پوتین و موفقیت وی در جنگ چچن و حمایت او از آنها نبود، بلکه این امر دلایل عمیق‌تر دیگری نیز دارد. مردم روسیه از دولت غیر کارآ، درگیری‌های مداوم جناحی، فساد فراگیر در تمامی سطوح سیاسی، انجام اصلاحات ظاهری و گسترش شکاف طبقاتی، بحران اقتصادی و تحقیر حیثیت ملی آنها توسط غرب ناراضی هستند. آنها به پوتین و دیگر رهبران مرکزگرا به عنوان میانه‌روهای عمل‌گرا می‌نگرند که قادرند عرصه سیاست این کشور را از فساد پاک کرده، تغییرات مثبتی را ایجاد کنند.

تأثیر انتخابات بر روند اصلاحات

پیروزی نیروهای میانه‌رو و طرفدار دولت در دوما به سال‌ها دشمنی شدید بین نیروهای کمونیست که اکثریت دوما را تحت کنترل خود داشتند و دولت روسیه که طرفدار



اصلاحات بود، پایان داد. اختلاف دو طرف منجر به یک بن‌بست سیاسی و ایدئولوژیک شده بود و این امر مانعی در روند حرکت روسیه، به سمت اقتصاد بازار، گشودن گره‌های کور اقتصادی و بهبود وضعیت مردم بود که در فقر غوطه‌ور می‌باشند.

در حقیقت پیروزی نیروهای عمل‌گرای میانه‌رو، دور شدن مردم از گذشته کمونیستی خود و پایان دوران حاکمیت ایدئولوژی در این کشور می‌باشد. تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که در پی موفقیت احزاب طرفدار انجام اصلاحات همچون، حزب وحدت، حزب اتحاد راست‌گرایان و حزب یابلوکو، اگرچه خود دارای تفکرات متفاوتی هستند، روند اصلاحات در روسیه از شتاب بیشتری برخوردار خواهد شد.

به طور کلی پیروزی احزاب طرفدار دولت، زمینه تصویب قوانینی همچون، اصلاح نظام مالیاتی، حق مالکیت شخصی و تضمین سرمایه‌گذاری خارجی که در دومای قبلی تصویب نشده بود را فراهم می‌سازد،^(۱۱) تحقق این امر زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را فراهم کرده، باعث ثبات و رونق اقتصاد روسیه خواهد شد. در نتیجه همکاری بیشتر قوه مقننه و مجریه، دیگر بحران نخست‌وزیری به صورت گذشته وجود نداشت، نیروهای طرفدار اصلاحات این فرصت را پیدا می‌کنند که خود رئیس دوما را انتخاب نمایند.

استعفای یلتسین و چشم‌انداز انتخابات آینده ریاست جمهوری

استعفای یلتسین در آغاز هزاره جدید میلادی از ریاست جمهوری باعث شگفتی اکثر محافل سیاسی جهان شد.^(۱۲) یلتسین طی چند سال گذشته، به علت سیاست‌های ضعیف اقتصادی، تعویض مکرر نخست‌وزیران، رکود اقتصادی، فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی و اطرافیان وی و حمایت از اولیگارشی روسیه با مخالفت زیادی در سطح جامعه روبرو بود. به همین دلیل نمایندگان دوما خواستار برکناری و محاکمه وی بودند.^(۱۳) یلتسین به لحاظ ضعف و بیماری قادر به ادامه فعالیت نبود و به علت فساد اطرافیانش، از قدرت یابی مخالفان خود در دومای جدید واهمه داشت با حمایت گسترده از پوتین که بارها وفاداری خود را به خانواده او نشان داده بود زمینه انتقال قدرت را به پوتین فراهم ساخت. لذا بعد از پیروزی موفقیت‌آمیز طرفداران دولت در انتخابات، یلتسین با گرفتن مصونیت قضائی از پوتین، استعفا کرد؛ تا پوتین بتواند با محبوبیت بالا و از موضعی قوی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نماید. یلتسین و اطرافیان او از این واهمه داشتند که حزب کمونیست با ائتلاف با احزاب دیگر



همچون حزب میهن سراسر روسیه به پوتین رأی عدم اعتماد بدهند که تحقق این امر می‌توانست باعث کاهش محبوبیت پوتین شده، زمینه پیروزی رقبای وی را در انتخابات فراهم سازد. طبق قانون اساسی این کشور بعد از استعفای رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر کفالت ریاست جمهوری را به‌عهده گرفته و انتخابات زودهنگام سه ماه بعد برگزار خواهد شد. طبق نظر سنجی‌های انجام شده، ولادیمیر پوتین محبوب‌ترین نامزد برای ریاست جمهوری آینده است. پریماکوف در جایگاه دوم و بعد از آن زیوگانف در جایگاه سوم قرار دارد. (۱۴)

انتخابات اخیر نیز نشان داد که بیش از نیمی از مردم روسیه به پوتین اعتماد دارند و سیاست‌های وی را به عنوان نخست‌وزیر تأیید می‌کنند. اما در هر حال پوتین برای کسب کرسی ریاست جمهوری هنوز راه درازی در پیش داشته و با چالش‌های عمده‌ای مواجه می‌باشد. او نیازمند حمایت فرمانداران مناطق مختلف است که قدرت زیادی در سازوکارهای انتخابات دارند. وی همچنین نیازمند حمایت جناح‌های مختلف دوما می‌باشد. پریماکوف رقیب اصلی پوتین هنوز قادر است ائتلاف گسترده‌ای را علیه وی و طرفداران دولت که متهم به فساد هستند، سازماندهی نماید و رؤیای ریاست جمهوری وی را باطل سازد. پوتین احتمالاً با استراتژی سازش و وعده‌اعطای سمت‌های وزارت به جناح‌های قدرتمند دوما تلاش خواهد نمود تا مانع از شکل‌گیری ائتلافی علیه خودش بشود. مهم‌ترین چالش دولت پوتین جنگ چچن می‌باشد که ممکن است با به بن‌بست رسیدن، محبوبیت وی را خنثی نماید. احتمالاً او ضمن تشدید عملیات نظامی در چچن، مبادرت به انجام مذاکرات سیاسی خواهد کرد.

چالش عمده دیگر، فراروی دولت وی، حمایت اولیگارش‌های روسیه و سیاستمداران مشهوری همچون برزوفسکی است که متهم به فساد مالی می‌باشد. پوتین که شعار مبارزه با فساد را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است، چگونه می‌تواند این تناقض را حل نماید؟ آیا او به خواست عمومی جامعه در مبارزه با فساد تن داده، به رئیس‌جمهوری پیشین و اطرافیان او که بیشترین نقش را در پیروزی او داشتند، پشت خواهد کرد؟ یا با اصلاحات ظاهری، خط‌مشی یلتسین را ادامه می‌دهد؟ در صورت پیروزی وی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده احتمالاً یکی از مهم‌ترین مشکلات وی با دوما همین مسأله خواهد بود. در هر تحلیلی باید این مسأله را مدنظر قرار داد که پوتین دست‌پرورده سرویس‌های امنیتی روسیه است و راهبرد او در جنگ چچن و انتخابات دوما نشان داد که او توانایی استفاده از پیچیده‌ترین شیوه‌های تبلیغاتی و عملیاتی را جهت استفاده از افکار عمومی در راستای اهداف خود دارد.



نتیجه

انتخابات دومای روسیه و پیروزی نیروهای میانه‌رو و مرکزگرا به بن‌بست ایدئولوژیک در صحنه سیاسی روسیه پایان داده، زمینه همکاری بیشتر قوای مقتنه و مجریه را فراهم خواهد ساخت. تحقق این امر، زمینه حرکت روسیه را به سمت اقتصاد بازار و انجام اصلاحات و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی فراهم ساخته، باعث بهبود وضعیت اقتصادی و شروع دورانی باثبات‌تر خواهد شد. گرایش مردم به سمت ملی‌گرایی و در عین حال میانه‌روی که در انتخابات اخیر نیز بروز یافت، احتمالاً موجب اولویت یافتن منافع ملی در سیاست خارجی، برخورد از موضع اقتدار با رقبای روسیه و ایجاد یک تعادل بین گروه‌هایی که خواهان همکاری با غرب و جذب کمک‌های خارجی بوده و جریان‌هایی که مخالف سیاست‌های غرب هستند، خواهد شد.

یادداشت‌ها

1. Reuters English News Service, in the internet, 12/20/1999.
2. Oxford Analytica Daily Brief , Dec 2, 1999.
3. Oxford Analytica Daily Brief, Dec 16, 1999.
4. Oxford Analytica Daily Brief, Dec 2, 1999.
5. Reuters English News, in the Internet, 12/20/1999.
6. Oxford Analytica Daily Brief, Dec 2, 1999.
7. Reuters English News, in the Internet , 12/20/1999.
8. Agence France Press, By Dmitry Zaks, in the Internet , 12/20/1999.
9. Oxford Analytica Daily Brief , Dec 17, 1999.
10. Associated Press News Wires, in the Internet, Barry Ren Frew, 12/20/1999.
11. Reuters English News Service , By Peter Henderson, in the Internet, 12/20/1999.

۱۲. فتح، شماره ۱۸، یکشنبه ۱۲ دی ۱۳۷۸

13. Oxford Analytica Daily Brief, Dec 16, 1999.
14. Ibid.

